

تعاون و کشاورزی، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۲

عوامل مؤثر بر مشارکت اعضا در مدیریت شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان گرگان

ابوالقاسم شریف زاده^{۱*}، غلامحسین عبدالله زاده^۲، سلیمان قادرزاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۰

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت اعضا در مدیریت شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان گرگان انجام گرفت. تحقیق حاضر از نوع توصیفی بود و به شیوه پیمایشی اجرا شد. جامعه آماری تحقیق تمام اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان گرگان را در بر گرفت. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران مشخص شد ($n=140$). برای نمونه‌گیری از روش طبقه‌ای تصادفی استفاده شد. روایی پرسش‌نامه محقق‌ساخته بر اساس نظر کمیته تحقیق و کارشناسان اداره تعاون روستایی و پایایی آن نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ($r=0.76$) تأیید شد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین میزان حضور اعضا در مجامع عمومی با میزان علاقه به مشارکت در مجامع رابطه مثبت معنی‌دار و با سابقه عضویت رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. به علاوه، نتایج همین قسمت نشان داد که بین میزان علاقه به مشارکت در مجامع با سطح سواد پاسخگویان رابطه منفی معنی‌دار و با سن پاسخگویان رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. نتایج تحلیل عاملی به استخراج ۳ عامل با عنوان‌های توان مدیریتی، عملکرد تعاونی و سازوکار مدیریت مشارکتی منجر شد که ۶۰/۶۳ درصد واریانس عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی را تبیین کردند. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان که با بهبود توان مدیریتی شرکت، عملکرد تعاونی، سازوکار مدیریت مشارکتی و سواد اعضا احتمال شرکت فرد عضو تعاونی در مجامع افزایش پیدا می‌کند، در حالی که با افزایش سن و سابقه اعضا احتمال شرکت آن‌ها در مجامع کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: تعاونی روستایی، مشارکت اعضا، مدیریت مشارکتی، شهرستان گرگان

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
* نویسنده مسئول
E-mail: sharifsharifzadeh@gmail.com

۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

مقدمه

تعاونی‌ها به صورت رسمی و غیررسمی از تاریخچه و جایگاه مهمی در پیشبرد زندگی اجتماعی در مناطق روستایی کشورهای مختلف برخوردارند (Majee and Hoyt, 2012) و نقش مهمی در توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه ایفا نموده‌اند (Hairong and Yiyuan, 2013). قدمت تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی در ایران از اغلب سازمان‌ها و ارگان‌های فعال موجود بیشتر است. مشارکت و تعاون از لحاظ نظری و مفهومی اشتراکات زیادی دارند. یکی از معانی که برای هر دوی آن‌ها به کار می‌رود، واژه همکاری است و روح کلی حاکم بر آن‌ها حکایت از درک واحد یا نزدیک به هم از مسائل و اهداف مشترک دارد (عباسی، ۱۳۸۲). علاوه بر این، ساز و کارهای مدیریت مشارکتی بیش از سایر سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی با مدیریت تعاونی‌ها سازگاری و هم‌خوانی دارد. در اصول جهانی تعاون و همچنین قانون تعاون کشور اهمیت و جایگاه این شیوه اداره امور مورد تأکید قرار گرفته است به نحوی که تعاون بدون مشارکت و ویژگی تعاونی بودن خود را از دست خواهد داد (وزارت تعاون، ۱۳۸۴). به واقع، موفقیت تعاونی در گرو توجه به مشارکت آزادانه و دموکراتیک و داوطلبانه اعضا، تلاش اقتصادی برای تأمین نیازها، گسترش همکاری اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی، قبول مسئولیت اجتماعی در میان اعضاست (طالب، ۱۳۸۲). در این بین، مشارکت اعضا با رضایت‌مندی آن‌ها و کیفیت فعالیت‌های ترویجی و موفقیت شرکت‌های تعاونی مرتبط است (درویشی‌نیا و صدیقی، ۱۳۸۲). به استناد مواد ۲۲ الی ۵۹ اساس‌نامه شرکت‌های تعاونی روستایی، مشارکت و حضور اعضا در مدیریت تعاونی‌ها می‌تواند جزء لاینفک و یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت شرکت‌ها باشد (بنار و همکاران، ۱۳۸۸).

علی‌رغم اهمیت حضور اعضا در عرصه‌های تصمیم‌گیری و مدیریت تعاونی‌ها، با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در شرکت‌های تعاون روستایی شهرستان گرگان، ۱۶ شرکت تعاونی روستایی از ۴۰ سال قبل و با عمر متوسط ۳۵ سال و با عضویت ۱۶۵۰۶ نفر عضو تأسیس گردیده‌اند و در آخرین مجامع برگزار شده تعداد ۱۲۴۲ نفر، یعنی ۷/۵۲ درصد کل اعضا، در مجامع

عمومی مشارکت داشته و در جلسهٔ ما قبل آخرین جلسهٔ مجامع تعداد ۸۲۸ نفر، یعنی ۵/۰۲ درصد کل اعضا، در مجامع شرکت نموده‌اند. روی هم رفته، به طور میانگین ۶/۲۷ درصد اعضا در مجامع اخیر حاضر شده‌اند (مستندات ثبتی موجود در ارتباط با مشارکت اعضا در مجامع). چنین شواهدی نشانگر مشارکت محدود اعضا در مجامع مدیریتی تعاونی‌هاست و لذا با توجه به اهمیت موضوع، لازم است در این خصوص بررسی علمی صورت گیرد. بدین منظور در تحقیق حاضر تلاش شده است عوامل مؤثر بر مشارکت اعضا در مدیریت شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان گرگان مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان راهکارهایی را برای تسهیل مشارکت اعضا در امور شرکت‌های تعاونی روستایی ارائه نمود.

در بسیاری از مطالعات صورت گرفته در حوزهٔ تعاونی‌ها، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر مشارکت اعضا به عنوان عاملی مهم تأکید شده است. در این باره، درویشی‌نیا و صدیقی (۱۳۸۱) موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی را به عواملی مانند میزان رضایت‌مندی اعضا از تعاونی، نگرش اعضا نسبت به تعاونی، آگاهی از شرکت تعاونی و مشارکت اعضا در این شرکت‌ها مرتبط می‌دانند.

بر اساس مطالعهٔ عنبری (۱۳۸۰)، مشارکت فعال کلیهٔ اعضا در فعالیتهای تجاری و نیز در مدیریت تعاونی‌ها و نقش آن‌ها در تأمین سرمایهٔ سهمی برای تقویت بنیهٔ مالی آن‌ها بر موفقیت شرکت‌های تعاونی تأثیرگذار است.

نتایج تحقیق چراغعلی (۱۳۸۰) نشان داد که ناآشنایی با فرهنگ تعاونی و کمبود آموزش‌های لازم در زمینهٔ مهارت‌های تخصصی در بین مدیران، بازرسان و اعضای تعاونی‌ها باعث کاهش بهره‌وری می‌شود. ناآگاهی از قوانین و مقررات و کمبود منابع مالی از عوامل دیگر کاهش بهره‌وری هستند.

شکیبا مقدم (۱۳۸۱) مشارکت اعضا را کلید موفقیت تعاونی‌ها می‌داند و معتقد است که اعضای تعاونی مالک قانونی آن هستند، زیرا اختیار و کنترل شرکت تعاونی در دست هیئت‌مدیره یا مدیر عامل نیست بلکه در دست اعضاست.

از دیدگاه طالب (۱۳۸۲)، عوامل موفقیت تعاونی در گرو توجه به مشارکت آزادانه و دموکراتیک و داوطلبانه اعضا، تلاش اقتصادی برای تأمین نیازها، گسترش همکاری اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی و قبول مسئولیت اجتماعی در میان اعضاست.

زارع (۱۳۸۴) در پژوهشی نتیجه گرفت که عواملی همچون مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری و آگاهی کارکنان از اهداف و گذراندن آموزش در بهره‌وری نیروی انسانی شرکت‌های تعاونی تأثیر بسزایی دارند.

فاضل‌نیا (۱۳۸۶) در تلاش برای ارائه الگوی بهینه برنامه‌ریزی ترویج و اطلاع‌رسانی تعاون در مناطق روستایی، از همکاری و مشارکت به عنوان یکی از اصول ساماندهی چنین نظامی یاد کرده است.

رستمی تبار (۱۳۸۶) با بررسی میزان موفقیت فنی و اجتماعی تعاونی‌های تولید روستایی استان کرمانشاه به این نتیجه رسیده است که مدیران عامل باید از فرصت موجود خودگردانی تعاونی‌ها برای مشارکت اعضا در فعالیت‌های درآمدزا و در نتیجه، ارتقای توان مالی تعاونی‌ها و نیز شکل‌دهی نگرش مثبت و رضایت اعضا از مدیریت تعاونی بهره‌گیرند.

بیگلری و همکاران (۱۳۹۱) در نتیجه بررسی راهکارهای توانمندسازی تعاونی‌های تولید، ارائه مشوق و پاداش به ارکان تعاونی تولید به منظور ایجاد انگیزه برای مشارکت فعال آن‌ها را راهکاری توانمندساز پیشنهاد داده‌اند.

مجردی و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های دامپروری در شهرستان خدابنده، ۸ عامل هماهنگی - آموزشی، حرفه‌ای، اقتصادی، حمایتی، سازمانی، اجتماعی، ارتباطی، رسانه‌ای و بازاریابی را شناسایی نموده‌اند. در این بین، عامل اجتماعی مبین همکاری و مشارکت اعضا با یکدیگر در رفع مشکلات و پیشبرد امور تعاونی است.

در خارج کشور نیز تایمنی (Taimni, 1985)، در طی بررسی خط‌مشی‌های مدرن برای تعاونی‌ها در آسیا، به مسائلی چون ایجاد بخش توسعه منابع انسانی و مشارکت اعضا در مدیریت، مسائل نیروی انسانی، اطلاعات، طراحی و ارزیابی کار، تأمین خسارت، بیمه، توسعه، نظم و انضباط کاری، ساختار روابط و انتقال کارمندان، استعفا و بازنشستگی نیروی انسانی پرداخته است.

ماخت (Machethe, 1990) نیز یکی از دلایل عدم موفقیت تعاونی‌ها در آفریقای جنوبی را ضعف مدیریت از جمله در زمینه جلب مشارکت اعضا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها عنوان نموده است.

براورمن و همکاران (Braverman et al., 1991)، مهم‌ترین علت موفقیت یا عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی را نحوه شکل‌گیری آن‌ها می‌داند و بیان می‌کند که اگر تعاونی‌ها براساس رهیافت از بالا به پایین راه اندازی شوند، مشارکت و جذب اعضا با شکست روبه رو می‌شود.

کشولایزا و گیلو (Kashuliza and Ngailo, 1993) نیز در یک تحقیق پیمایشی در تانزانیا نشان دادند که علت عدم موفقیت تعاونی‌های زراعی در این کشور یک‌طرفه بودن سیاست تأسیس این تعاونی‌ها بر اساس رهیافت از بالا به پایین و در نتیجه، عدم مشارکت زارعان در اتخاذ این سیاست‌هاست.

لادل و همکاران (Ladele et al., 1994) در یک تحقیق تجربی در نیجریه به بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر عملکرد تعاونی‌های کشاورزی پرداخته و از مشارکت فعال و آموزش اعضا، به عنوان یکی از سازه‌هایی که موجب افزایش تعداد عضو در تعاونی می‌شود، یاد نموده‌اند.

اوکویه (Okoye, 1997) در یک تحقیق تجربی نشان داد که یکی از دلایل عدم کارایی تعاونی‌ها در نیجریه ضعف مدیریت و معضلاتی است که مدیریت این تشکلهای با آن روبه روست. وی نیز این امر را ناشی از به کارگیری رهیافت از بالا به پایین در تأسیس این تعاونی‌ها می‌داند که موجب می‌شود این تشکلهای شاخه‌ای از دیوان‌سالاری دولت تبدیل شوند.

بنتوراکي (Benturaki, 2000) سیاست‌های مداخله‌گرانه دولت، تخلف از اصول اساسی تعاون، قوانین غیرپیشرفته تعاونی، عدم استقلال و خودمختاری، نبود دموکراسی، عدم توانمندسازی اعضا و نبود ساختار سازمانی کارآمد را از علل عدم موفقیت تعاونی‌های روستایی تانزانیا عنوان می‌کند.

پزشکی‌راد و همکاران (Pezeshki-Rad et al., 2012) بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها برای بهبود مشارکت و عملکرد تعاونی تأکید نموده‌اند.

دفتر بین‌المللی کار (ILO, 2004) ویژگی‌های نیروی انسانی (مدیران، اعضا و کارگران) از قبیل میزان مشارکت، سطح سواد، میزان شناخت و آگاهی و آشنایی با اهداف سازمان را در موفقیت تعاونی‌ها مؤثر دانسته است.

دی‌دی (Didi, 2004) بر نقش مشارکت در موفقیت تعاونی‌ها تأکید دارد. اونال و همکاران (Unal et al., 2008) در تحقیقی تحت عنوان «مقایسه تعاونی‌های موفق و ناموفق در منطقه اژه ترکیه» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم موفقیت این تعاونی‌ها، نبود همبستگی میان اعضا، فقدان سرمایه‌گذاری، پایین بودن سطح سواد اعضا و مدیران تعاونی می‌باشد.

الهیاری (Allahyari, 2008) مشارکت اعضا در فرایند مدیریت تعاونی، دسترسی به اعتبارات و وام‌ها و توسعه دوره‌های آموزشی را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها می‌داند. طبق یافته‌های مطالعه سرگکی (Sergaki, 2010) در یونان، مشارکت و همکاری نه تنها در سطح تعاونی‌ها بلکه در بین تعاونی‌ها و در قالب اتحادیه‌های تعاون می‌تواند نقش مهمی در توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط هم‌راستا با زنجیره عرضه ایفا کند.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ درجه نظارت و کنترل، میدانی و از لحاظ گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات توصیفی مبتنی بر پیمایش پرسش‌نامه‌ای است. جامعه آماری شامل تمام اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان گرگان (۱۶۵۰۶ نفر) می‌باشد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۱۴۰ نفر محاسبه شد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی به این ترتیب استفاده گردید که ابتدا ۱۶ شرکت تعاونی بر اساس اطلاعات موجود از آخرین میزان مشارکت در جلسه مجمع عمومی به ۴ دسته طبقه بندی شدند و از بین هر دسته، به صورت کاملاً تصادفی، یک شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد (شامل شرکت‌های تعاونی روستایی امید، متحد، چهارباغ و پیوندمهر). نمونه‌های تحقیق به صورت تصادفی و به تناسب تعداد اعضای

هر کدام از این شرکت‌ها از بین ۳۱ روستا انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها و اندازه‌گیری متغیرها، پرسش‌نامه است که روایی آن از سوی گروهی از متخصصان متشکل از اعضای هیئت علمی دانشگاه و کارشناسان سازمان تعاون روستایی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با انجام یک مطالعه راهنما بر روی ۲۶ نمونه و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۵۸) مناسب تشخیص داده شد. پرسش‌نامه مزبور در چند بخش تنظیم شد. علاوه بر بخش‌های مربوط به ویژگی‌های شرکت‌های تعاونی و همچنین ویژگی‌های فردی پاسخگویان، یک بخش اصلی تحقیق نیز به ارزیابی دیدگاه پاسخگویان در خصوص عوامل و انگیزه‌های مشارکت و حضور آن‌ها در مجامع عمومی تعاونی‌ها در قالب طیف لیکرت اختصاص داشت.

علاوه بر روش‌های معمول آمار توصیفی، از ضریب تغییرات برای اولویت‌بندی عوامل و انگیزه‌های مشارکت اعضا در مجامع استفاده شد. جهت مقایسه دو متغیر «میزان علاقه به حضور در مجامع عمومی شرکت» و «میزان حضور در مجامع عمومی در سه سال اخیر» در بین گروه‌های مختلف پاسخگویان از آزمون‌های کروسکال-والیس و من‌ویت‌نی استفاده شد. همچنین تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس نیز برای شناخت ابعاد و مؤلفه‌های پنهان مرتبط با مشارکت و حضور اعضا در مجامع عمومی تعاونی‌ها به کار رفت. از نمرات به دست آمده برای هر عامل در فرایند تحلیل عاملی به عنوان متغیر مستقل در مدل رگرسیون لجستیک استفاده شد. در این تحقیق متغیر وابسته مورد استفاده در رگرسیون لجستیک، «شرکت» یا «عدم شرکت» در جلسات مجمع عمومی بوده که تأثیر متغیرهای مستقل یعنی عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی (از طریق محاسبه نمرات عاملی) و برخی متغیرهای فردی (سن، سابقه، سواد) بر آن ارزیابی شد.

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

میانگین سنی پاسخگویان ۶۰ سال و حدود ۹۲٪ آن‌ها مرد و ۸۱٪ نیز بومی منطقه بودند. به علاوه، ۸۷٪ پاسخگویان سابقه عضویت بالای ۱۰ سال داشتند. شغل اصلی حدود ۷۹٪ پاسخگویان

کشاورزی و ۷۲٪ آن‌ها نیز بی‌سواد بودند. نزدیک به ۶۲٪ پاسخگویان اظهار نمودند که در سه سال اخیر اصلاً" در مجامع حضور نداشتند، در حالی که ۶۹٪ علاقه زیاد و خیلی زیاد به مشارکت و حضور در مجامع تعاونی عمومی در شرایط کنونی دارند. از نظر ۴۴٪ پاسخگویان روزهای تعطیل، عصر، ساعات غیر اداری و فصل زمستان مفیدترین زمان برای برگزاری مجامع عمومی بوده است. همچنین حدود ۳۸٪ پاسخگویان مفیدترین و مناسبترین راهکار اطلاع‌رسانی برای برگزاری مجامع را اعلام از طریق بلندگوی مساجد و مراسم مذهبی بیان کردند. ۵۴/۳٪ پاسخگویان نظارت سازمان تعاون روستایی را دارای تأثیر منفی دانسته و معتقد بودند که نظارت سازمان تعاون روستایی سبب تلقی بخش تعاونی به عنوان بخش دولتی می‌گردد و مقاومت اعضا در مقابل تصمیمات تعاونی را به همراه دارد. بقیه افراد نظارت سازمان تعاون روستایی را مثبت (۳۷٪) و یا بی‌تأثیر (۹٪) ارزیابی کردند. از دیدگاه ۲۹٪ پاسخگویان، مناسبترین کانال ارتباطی بین اعضا و مدیران از طریق ایجاد کانال‌های واسطه‌ای مانند رهبران محلی، اعضای شورای اسلامی و معتمدان روستا می‌باشد. مهم‌ترین انگیزه‌های عضویت در شرکت به این شرح اعلام شد: الف) عضویت اجباری در زمان اصلاحات اراضی حاصل سیاست‌های حکومتی آن زمان (۴۲/۱٪)؛ ب) الزام به عضویت جهت تهیه کالاهای کوپنی و یا سایر نهاده‌ها (کود، سم، بذر) و فروش محصولات کشاورزی به شرکت و دریافت وام تعاونی و... (۴۵/۷٪)؛ ج) علاقه به تعاون و کار گروهی و اعتقاد به تعاون به عنوان راه حل مشکلات اعضا (۱۲/۱٪). بنابراین، اعتقاد به تعاون به عنوان راهکار حل مشکلات در بین پاسخگویان در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد و درصد تجمعی دو گزینه اول و دوم ۸۷/۹ درصد پاسخگویان را شامل می‌شود. همچنین آگاهی پاسخگویان درباره نحوه مدیریت تعاونی ضعیف بوده است (میانگین کمتر از ۴ از مجموع ۲۰ نمره).

اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اعضا در مجامع عمومی

با توجه به اطلاعات محاسبه شده از ستون ضریب تغییرات جدول ۱ مشاهده می‌شود که مواردی از قبیل سابقه مدیریتی مدیران شرکت، اعتماد اعضا به مدیران تعاونی و زمان تشکیل جلسات مجامع تأثیر بیشتری در حضور اعضا در مجامع داشته‌اند.

جدول ۱. اولویت‌بندی گویه‌های تأثیرگذار بر حضور اعضا در مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی روستایی

رتبه	C.V	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های تأثیرگذار
۱	۰/۲۰۵	۰/۸۱	۳/۹۶	سابقه مدیریتی مدیران شرکت (شامل اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل)
۲	۰/۲۲۵	۰/۹۷	۴/۳۱	اعتماد اعضا به مدیران تعاونی
۳	۰/۲۲۷	۱	۴/۴۱	زمان تشکیل جلسات مجامع
۴	۰/۲۴۰	۱	۴/۱۶	پرداخت بموقع سود سهام
۵	۰/۲۴۴	۱/۰۷	۴/۳۹	بازگشت به نظام انتخاب نمایندگان گروه‌های تعاونی (برابر اساس نامه سابق شرکت تعاونی) و مشارکت اعضا در مجامع
۶	۰/۲۵۳	۱/۰۹	۴/۳۰	رضایت از عملکرد تعاونی
۷	۰/۲۶۰	۰/۸۸	۳/۳۹	سطح تحصیلات (دیپلم و بالاتر) مدیران شرکت (اعضای هیئت مدیره، بازرسان و مدیرعامل)
۸	۰/۲۶۴	۱/۱۰	۴/۱۷	روحیه مشارکت‌پذیری مدیران شرکت (شامل اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل)
۹	۰/۲۷۴	۱/۱۳	۴/۱۳	عملکرد مناسب و بموقع تعاونی در ارائه خدمات به اعضا
۱۰	۰/۲۸۱	۰/۹۸	۳/۴۹	انسجام و مشارکت اجتماعی اعضا
۱۱	۰/۲۸۲	۰/۹۹	۳/۵۱	احساس مفید واقع شدن پیشنهادهای و نظرات اعضا و به کارگیری آن توسط مدیران تعاونی
۱۲	۰/۲۸۳	۰/۹۶	۳/۳۹	دسترسی به کانال‌های مناسب ارتباطی اعضا با مدیران شرکت
۱۳	۰/۲۸۵	۱/۱۸	۴/۱۴	میزان انتفاع اعضا (دریافت سود، خدمات و انواع تسهیلات وام و...) از تعاونی
۱۴	۰/۲۸۷	۱/۰۷	۳/۷۳	میزان تأثیر ارائه خدمات به عموم (غیر از اعضای تعاونی) در کاهش انگیزه مشارکت اعضا
۱۵	۰/۲۸۹	۱/۱۸	۴/۰۸	دستور جلسه مجامع عمومی (با عنوان انتخاب ارکان شرکت اعضای هیئت مدیره و بازرسان)
۱۶	۰/۲۹۵	۱/۲۱	۴/۱۰	به روز بودن فعالیت‌های شرکت و تأمین نیازهای اساسی اعضا
۱۷	۰/۳۵۹	۱/۱۱	۳/۰۹	افزایش بهره‌گیری (دریافت خدمات و انتفاع) توسط مدیران و اعضای هیئت مدیره در کاهش انگیزه و مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های شرکت

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه با مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی

نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان حضور در مجامع عمومی شرکت در ۳ سال اخیر ارتباط معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان با میزان علاقه به مشارکت در مجامع عمومی دارد. میزان حضور در مجامع عمومی شرکت در ۳ سال اخیر ارتباط منفی معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان با سابقه عضویت دارد. میزان علاقه به مشارکت در مجامع عمومی شرکت ارتباط منفی معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان با تحصیلات دارد. سرانجام، میزان علاقه به مشارکت در مجامع عمومی ارتباط مثبت معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان با سن پاسخگویان دارد.

جدول ۲. همبستگی دو متغیر میزان حضور در مجامع و میزان علاقه به مشارکت با برخی متغیرها

سن	سابقه	سطح سواد	میزان علاقه به مشارکت در مجامع
۰/۰۸۱-	۰/۲۱۳*	۰/۰۳۸	۰/۱۷۰*
۰/۲۵۶**	۰/۱۰۹	۰/۱۹۲*	میزان حضور در مجامع در ۳ سال اخیر
			میزان علاقه به مشارکت در مجامع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

** : معنی‌داری در سطح ۵ درصد *** : معنی‌داری سطح ۱ درصد

مقایسه پاسخگویان بومی و غیربومی بر حسب علاقه به مشارکت و میزان حضور

طبق آزمون من‌ویت‌نی، بین دو گروه پاسخگویان از لحاظ میزان علاقه به مشارکت تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و افراد بومی علاقه بیشتری به حضور در مجامع عمومی و مشارکت در امور تعاونی دارند (جدول ۳). این امر به دلیل انسجام اجتماعی موجود در بین اعضای بومی و احساس تعلق و دلبستگی آنها به آینده شرکت است. ولی از لحاظ میزان حضور در مجامع، بین دو گروه پاسخگویان بومی و غیربومی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این امر به دلیل شرایط و نحوه تشکیل مجامع عمومی می‌باشد که سبب می‌شود هر دو گروه تقریباً امکان کمتری جهت حضور در مجامع داشته باشند.

جدول ۳. مقایسه میزان حضور در مجامع و میزان علاقه به مشارکت در بین اعضای بومی و غیر بومی

(آزمون من ویت‌نی)

گویه	گروه‌ها	میانگین رتبه‌ای	مقدار u	مقدار Z	سطح معنی‌داری
میزان علاقه به شرکت در مجامع عمومی	بومی	۱۲۶/۳۸	۲۹	۸/۲۱۶	۰/۰۰
	غیر بومی	۵۷/۷۵			
میزان حضور در مجامع عمومی در ۳ سال اخیر	بومی	۷۱/۰۴	۱۴۲۱	-۰/۳۷۸	۰/۷۰۶
	غیر بومی	۶۸/۱۵			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه میزان علاقه برای مشارکت و میزان حضور در مجامع در بین شرکت‌های مختلف و گروه‌های شغلی

جهت مقایسه دو متغیر «میزان علاقه برای مشارکت» و «میزان حضور در مجامع» در بین اعضای شرکت‌های مختلف (امید، متحد، چهارباغ، پیوندمهر) و در بین گروه‌های شغلی مختلف (کشاورز، کارمند، مشاغل آزاد و بیکاران) از آزمون کروسکال-والیس استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۴، مشاهده می‌شود که اعضای تعاونی‌های مختلف و همچنین گروه‌های شغلی از این منظر تفاوت معنی‌داری ندارند. این یافته‌ها بیانگر این است که نه تنها شغل افراد، بلکه موقعیت مکانی و خدمات ارائه شده در شرکت‌های مختلف در سنوات قبل نیز تأثیری در ایجاد علاقه به حضور اعضا و همچنین حضور فیزیکی در مجامع عمومی اخیر نداشته است.

جدول ۴. مقایسه میزان حضور در مجامع و میزان علاقه به مشارکت در بین شرکت‌ها و گروه‌های شغلی

(آزمون کروسکال-والیس)

شرکت‌ها	میانگین رتبه‌ای میزان علاقه	میانگین رتبه‌ای میزان حضور
امید	۶۷/۲۲	۷۱/۵۶
متحد	۷۳/۱۸	۶۷/۹۵
چهار باغ	۵۷/۴۱	۷۰/۶۹
پیوند مهر	۸۰/۹۳	۷۱/۷۹
مقدار کای دو و معنی‌داری	۴/۵۲۴ (۰/۲۱۰)	۰/۲۹۶ (۰/۹۶۱)
گروه‌های شغلی	میانگین رتبه‌ای میزان علاقه	میانگین رتبه‌ای میزان حضور
کشاورز	۷۳/۴۳	۶۹/۹۶
کارمند	۶۶/۲۵	۷۰/۰۶
شغل آزاد	۵۹/۵۰	۶۸/۴۴
بیکار	۵۰/۲۰	۹۰/۰۰
مقدار کای دو و معنی‌داری	۳/۵۲۵ (۰/۳۱۷)	۱/۶۲۸ (۰/۶۵۳)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل عاملی عوامل تأثیرگذار بر حضور اعضا در مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی روستایی

در این تحقیق هدف از کاربرد تحلیل عاملی شناخت ابعاد و مؤلفه‌های پنهان اثرگذار و استفاده از نمرات به دست آمده از این تحلیل، به عنوان مقادیر هر مؤلفه، برای وارد کردن در مدل رگرسیون لجستیک است. بر اساس یافته‌های حاصل، مقدار KMO، که ۰/۸۰۵ به دست آمده، و مقدار بارتلت یعنی ۱۲۸۶/۸۲۳، که در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد اطمینان قرار دارد، حاکی از مناسب بودن متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی‌اند. مشاهده می‌شود که در فرایند تحلیل عاملی ۳ عامل استخراج شده در مجموع ۶۰/۶۲۷ درصد کل واریانس را تبیین کرده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵. عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
عامل اول	۳/۰۸۶	۲۲/۰۴۰	۲۲/۰۴۰
عامل دوم	۲/۹۰۴	۲۰/۷۴۴	۴۲/۷۸۴
عامل سوم	۲/۴۹۸	۱۷/۸۴۳	۶۰/۶۲۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن متغیرهای با بار عامل بزرگ‌تر از ۰/۵، بعد از چرخش عامل‌ها به روش واریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها، به شرح جدول ۶ می‌باشد. در نهایت، با خارج کردن گویه‌های فاقد اعتبار، عامل‌ها بر حسب مضمون مشترک مجموعه گویه‌های بارگذاری شده بر روی هر عامل نام‌گذاری شدند. عامل اول با عنوان توان مدیریتی ۲۲/۰۴ درصد، عامل دوم با عنوان عملکرد تعاونی ۲۰/۷۴۴ درصد و عامل سوم با عنوان سازوکار مدیریت مشارکتی ۱۷/۸۴۳ درصد واریانس مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت اعضا را تبیین کردند.

جدول ۶. عامل‌ها و متغیرهای بارگذاری شده همراه با بار عاملی

بار عاملی	متغیرها	نام عامل
۰/۶۶۶	احساس مفید واقع شدن پیشنهادها و نظرات اعضا و به کارگیری آن توسط مدیران تعاونی	توان مدیریتی
۰/۷۶۰	اعتماد اعضا به مدیران تعاونی	
۰/۸۳۹	روحیه مشارکت‌پذیری مدیران شرکت	
۰/۸۲۰	سابقه مدیریتی مدیران شرکت	
۰/۶۷۴	تحصیلات مدیران شرکت	عملکرد تعاونی
۰/۵۹۲	عملکرد مناسب تعاونی در ارائه خدمات به اعضا	
۰/۷۹۰	پرداخت بموقع سود سهام	
۰/۸۲۵	میزان انتفاع اعضا از محل دریافت سود، خدمات و انواع تسهیلات وام از تعاونی	
۰/۶۸۶	رضایت از عملکرد تعاونی	ساز و کار مدیریت مشارکتی
۰/۷۲۹	به‌روز بودن فعالیت‌های شرکت و تأمین نیازهای اساسی اعضا	
۰/۷۰۳	انسجام و مشارکت اجتماعی اعضا	
۰/۷۹۵	دسترسی به کانال‌های مناسب ارتباطی اعضا با مدیران شرکت	
۰/۸۳۴	زمان تشکیل جلسات مجامع	بازگشت به نظام انتخاب نمایندگان گروه‌های تعاونی برابر اساس‌نامه سابق شرکت تعاونی و مشارکت اعضا در مجامع
۰/۸۵۲	بازگشت به نظام انتخاب نمایندگان گروه‌های تعاونی برابر اساس‌نامه سابق شرکت	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج رگرسیون لجستیک

در این پژوهش شرکت کردن (یک یا چند بار شرکت) و شرکت نکردن در جلسات مجامع عمومی به عنوان متغیر وابسته به کار رفته است. متغیرهای مستقل نیز به دو دسته تقسیم شده‌اند: ۱. متغیرهای فردی و حرفه‌ای، شامل سن، سابقه و سواد؛ ۲. متغیرهای به دست آمده از تحلیل عاملی شامل توان مدیریتی، عملکرد تعاونی و سازوکار مدیریت مشارکتی که نمره عاملی آن‌ها در تحلیل رگرسیونی لحاظ شده است. به علت دو حالتی بودن متغیر وابسته در این تحقیق (شرکت در جلسات و عدم شرکت در جلسات)، برای بررسی ارتباط متغیرها و میزان تأثیر آن‌ها در متغیر وابسته از رگرسیون لجستیک استفاده شد. پس از وارد کردن همه متغیرها، نتایج زیر به دست آمد (جدول ۷).

جدول ۷. نتایج برآورد ضرایب مدل رگرسیون لجستیک

نام متغیر	ضریب B	آماره Wald	Sig	Exp (B)
سن	-۰/۰۱۶	۰/۸۸۰	۰/۳۴۸	۰/۹۸۴
سابقه	-۰/۲۵۲	۳/۶۹۸	۰/۰۴۸	۰/۷۸۳
سواد	۰/۳۲۱	۰/۷۸۸	۰/۳۷۵	۱/۳۷۹
توان مدیریتی	۰/۴۹۷	۶/۵۰۵	۰/۰۱۱	۱/۶۴۳
عملکرد تعاونی	۰/۱۱۲	۴/۴۰۶	۰/۰۳۰	۱/۱۱۹
سازوکار مدیریت مشارکتی	۰/۴۶۷	۱/۳۱۶	۰/۲۵۱	۱/۵۹۶
مقدار ثابت	-۵/۹۵۰	۱۰/۸۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متغیرهای سابقه، توان مدیریتی و عملکرد تعاونی در مدل رگرسیونی در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار شده‌اند. بنابراین، بر اساس مدل تحلیل ارائه شده می‌توان گفت که احتمال شرکت کردن اعضای تعاونی در مجامع تابعی لجستیک از عوامل مذکور بوده که به صورت زیر قابل برآورد و محاسبه است:

$$P_i = \frac{\exp(-5.950 - 0.016 X_1 - 0.252 X_2 + 0.321 X_3 + 0.497 X_4 + 0.112 X_5 + 0.467 X_6)}{1 + \exp(-5.950 - 0.016 X_1 - 0.252 X_2 + 0.321 X_3 + 0.497 X_4 + 0.112 X_5 + 0.467 X_6)}$$

ملاحظه می‌شود که متغیرهای توان مدیریتی و عملکرد تعاونی دارای ضریب بتای مثبت در معادله رگرسیونی لجستیک بوده و نشان می‌دهد که این متغیرها با احتمال شرکت اعضا در مجامع رابطه مستقیم دارند؛ یعنی، با افزایش و بهبود در هر کدام از این متغیرها احتمال شرکت فرد عضو تعاونی در مجامع نیز افزایش پیدا می‌کند. نکته مهم در جدول فوق، تفسیر توان نمایی ضریب بتا یا $\exp(\beta)$ است^۱. در حقیقت، مقدار $\exp(\beta)$ در جدول بالا نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد در متغیر مستقل مربوطه (به شرط ثابت ماندن سایر عوامل مستقل)، متغیر وابسته (احتمال شرکت در مجامع) چند برابر افزایش پیدا می‌کند؛ به عبارتی، افزایش یک واحدی در متغیر مستقل مربوط به آن، شانس شرکت در مجامع عضو شرکت تعاون را $e\beta$ برابر می‌کند. در این تحقیق سابقه عضویت متغیری است که بر احتمال شرکت اعضا در مجامع تأثیر منفی دارد؛ یعنی، با افزایش سابقه عضویت احتمال شرکت کاهش می‌یابد و بر عکس، کاهش سابقه اعضا احتمال شرکت را به نسبت $0/783$ افزایش می‌دهد (یعنی به اندازه $21/7$ درصد). متغیر دیگری که بیشترین تأثیر معنی‌دار را در احتمال شرکت عضو در مجامع دارد، توان مدیریتی است. بر اساس نتایج جدول، نسبت بخت‌ها برای متغیر توان مدیریتی برابر با $1/643$ است که نشان می‌دهد با تغییر توان مدیریتی (بهبود مدیریت) احتمال شرکت اعضا در مجامع به اندازه $1/643$ و یا کمی بیش از $1/5$ برابر افزایش می‌یابد (یعنی $64/3$ درصد). متغیر دیگری که بر احتمال شرکت اعضا در مجامع تأثیر معنی‌دار دارد، متغیر عملکرد تعاونی است. این متغیر با نسبت بخت‌های $1/119$ است که نشان می‌دهد با تغییر عملکرد تعاونی (افزایش عملکرد) احتمال شرکت عضو تعاونی در مجامع شرکت به اندازه $1/119$ و کمی بیشتر از یک برابر افزایش می‌یابد ($11/9$ درصد). در جدول ۸ آماره‌های نیکویی برازش مدل آمده است.

۱. $\exp(B)$ نماد $e\beta$ است که e عدد معرف نپر یا عدد طبیعی گفته می‌شود و مقدار آن تقریباً $2/7$ می‌باشد.

جدول ۸. شاخص‌های نیکویی برازش در مدل رگرسیون لجستیک

ضریب نایجل کرک	ضریب کاکس و اسنل	آماره لگاریتم درست‌نمایی
۰/۵۳۴	۰/۳۹۲	۱۱۵/۹۶۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آماره لگاریتم درست‌نمایی کوچک است. طبق معیار نیکویی برازش برای خوبی برازش، مدل این آماره باید تا حد مناسبی کوچک باشد. همچنین آماره ضریب تبیین کاکس و اسنل و نایجل کرک، که همانند معیار ضریب تبیین در رگرسیون عادی عمل می‌کند و میزان تبیین متغیرهای مستقل از تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهد، در این جدول نشان داده شده است. در این تحقیق، مشاهده می‌شود که مقدار دو آماره بین ۰/۳۹۲ و ۰/۵۳۴ است بدین معنی که این ۶ متغیر از قدرت تبیین متوسطی در خصوص واریانس و تغییرات متغیر وابسته شرکت در مجامع برخوردارند. در واقع، این ۶ متغیر توانسته‌اند بین ۳۹/۲ درصد تا ۵۳/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. آزمون دیگری که بر پایه توزیع تجربی X^2 عمل می‌کند و بر اساس سطح معنی‌داری، معنادار بودن مدل را نشان می‌دهد، آزمون هاسمر و لم شو است (جدول ۹).

جدول ۹. نتایج آزمون هاسمر و لم شو

آماره کای دو	درجه آزادی	میزان معنی‌داری
۳۲/۳۷۲	۸	۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

فرض صفر در این آزمون، صفر بودن تمامی ضرایب رگرسیونی و یا به عبارتی، عدم وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته است. همان‌طور که از سطح معنی‌داری بر می‌آید، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، این فرض مطرح می‌شود (میزان معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ است). بنابراین، معنادار بودن ضرایب متغیرهای مستقل در رابطه رگرسیونی را می‌توان از این آزمون نتیجه گرفت. در واقع، با توجه به مقدار این آزمون، برازش میزان پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است، به این معنی که مدل تحقیق مناسب بوده و از برازش لازم برخوردار است؛

یعنی، متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی نسبت بالایی از تغییرات متغیر وابسته (شرکت در مجامع) می‌باشند. همچنین با استفاده از جدول طبقه‌بندی می‌توان قدرت مدل در تفکیک افراد در طبقات متغیر وابسته را تعیین کرد. در واقع، در رگرسیون لجستیک ملاک صحت مدل را میزان دقت آن در دسته‌بندی اعضای نمونه می‌دانند و این معیاری دیگر برای نیکویی برازش مدل خواهد بود (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. نتایج جدول طبقه‌بندی جهت ارزیابی قدرت پیشگویی مدل

درصد تشخیص	پیش‌بینی شده		تشخیص	واقعیت
	شرکت کرده	شرکت نکرده		
۸۶/۲	۱۲	۷۵	شرکت نکرده	مشاهده شده
۶۶/۰	۳۵	۱۸	شرکت کرده	
۷۸/۶			درصد کل	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، مدل از تعداد ۸۷ پاسخگویی که در مجامع شرکت نکرده بودند (۷۵+۱۲)، ۷۵ نفر را به درستی تشخیص داد و آن‌ها را به عنوان شرکت نکرده پیش‌بینی کرد و ۱۲ نفر به اشتباه و به عنوان شرکت کرده تشخیص داده شدند. بنابراین، در این گروه، درصد صحت تشخیص ۸۶/۲ درصد است. میزان پیش‌بینی صحیح مدل برای شرکت کرده‌ها نیز ۶۶ درصد است؛ یعنی، از بین ۵۳ نفر شرکت کرده، ۳۵ نفر را به درستی و ۱۸ نفر را به اشتباه تشخیص داد. در مجموع، معیار قدرت تشخیص مدل ۷۸/۶ درصد است و این رقم مناسبی است. بنابراین، می‌توان گفت که با متغیرهای مستقل موجود، امکان پیش‌بینی شرکت اعضا در مجامع یا عدم شرکت آن‌ها تا حد زیادی امکان‌پذیر است؛ به عبارتی، به احتمال ۷۸/۶ درصد، این متغیرها موقعیت شرکت یا عدم شرکت یک عضو را به درستی پیش‌بینی می‌کنند. همچنین مدل قدرت بیشتری در تشخیص عدم شرکت در مجامع را دارد تا شرکت در مجامع (۸۶/۶ درصد در مقابل ۶۶ درصد).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

برابر شواهد موجود، به دلیل یک‌سری نارسایی‌ها، مشارکت اعضا در اداره امور شرکت‌های تعاونی روستایی وضعیت مطلوبی ندارند. ریشه‌های بروز چنین وضعیتی در مناطق مختلف با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، شرایط مختلف اعضا (همانند سطح تحصیلات)، امکانات موجود، خدمات ارائه شده شرکت‌ها و سایر متغیرها می‌تواند متفاوت باشد. یافته‌های این تحقیق نشان داد از بین عوامل عمده تأثیرگذار بر مشارکت اعضا، سابقه مدیریتی مدیران شرکت، اعتماد اعضا به مدیران تعاونی و زمان تشکیل جلسات مجامع از اهمیت بیشتری برخوردارند.

همبستگی بین میزان حضور در مجامع عمومی شرکت با میزان علاقه به مشارکت در مجامع عمومی نشان داد که هر چه علاقه به حضور و مشارکت در مجامع عمومی بیشتر باشد، امکان حضور عضو نیز بیشتر است. علاقه می‌تواند بر عوامل بیرونی تأثیرگذار باشد و امکان تحقق حضور عضو در مجامع را فراهم آورد. ارتباط معنی‌دار میزان حضور در مجامع عمومی شرکت با سابقه عضویت مبین این موضوع می‌تواند باشد که اعضای با سابقه کمتر انگیزه بیشتری به حضور در مجامع دارند و به آینده شرکت و نتیجه مشارکت در مجامع بیشتر امیدوارند. همچنین به دلیل سن کمتر، امکان حضور فیزیکی بیشتر نیز برای آن‌ها مقدور است. همبستگی میزان علاقه به مشارکت با سن پاسخگویان نیز نشان داد که اعضای مسن‌تر علاقه بیشتری به شرکت داشتند، هر چند در عمل ممکن است حضور کمتری می‌داشتند. ارتباط معنی‌دار اما منفی میزان علاقه به مشارکت در مجامع عمومی با تحصیلات نیز می‌تواند به دلیل شکاف میان نوع دیدگاه اعضای بی‌سواد و باسواد باشد که سبب می‌شود اعضای با سواد بالاتر کمتر تمایل به حضور در مجامع عمومی شرکت داشته باشند. در برخی تحقیقات پیشین نیز به ارتباط بین متغیرهای فردی و جمعیت‌شناختی اعضا و موفقیت تعاونی‌ها اشاره شده است (مانند: درویشی‌نیا و صدیقی، ۱۳۸۱؛ زارع، ۱۳۸۴؛ چراغعلی، ۱۳۸۰؛ رستمی‌نبار، ۱۳۸۶ و (Allahyari, 2008; Ladele et al., 1994; Pezeshki-Rad et al., 2012; Unal et al., 2008).

تحلیل عاملی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی به استخراج ۳ عامل با عنوان توان مدیریتی، عملکرد تعاونی و سازوکار مدیریت مشارکتی منجر شد. این یافته حاکی از

این است که مدیریت مطلوب تعاونی‌ها، بر مبنای مشارکت اعضا، مستلزم برخورداری مدیران عامل از قابلیت لازم برای جلب مشارکت اعضا، کارکرد مطلوب تعاونی در ارائه خدمات مورد نیاز اعضا و نیز انجام امور مربوط و نیز بهره‌گیری از سازوکار مناسب برای برگزاری مجامع مدیریتی با حضور اعضاست (منطبق با یافته‌های مطالعه شکیبا مقدم، ۱۳۸۱؛ عباسی؛ ۱۳۸۲؛ عنبری؛ ۱۳۸۰ و Didi, 2004; Kashuliza and Ngailo, 1993; Machethe, 1990; Okoye, 1997).

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

- با توجه به تأثیر عملکرد تعاونی‌ها در جلب مشارکت اعضا و در نظر گرفتن این موضوع که در حال حاضر فعالیت خدماتی شرکت‌ها به شکل بسیار محدود و صرفاً به صورت توزیع مواد خوراکی و فراورده‌های نفتی صورت می‌گیرد، گسترش کمی و کیفی شرکت‌های تعاونی روستایی متناسب با نیازهای روز اعضا و توجه به شغل غالب آن‌ها یعنی کشاورزی ضروری می‌باشد. عملکرد مطلوب شرکت‌ها در ارائه خدمات حمایتی به اعضا و توسعه فعالیت تعاونی‌های روستایی به ویژه در بخش کشاورزی و دامداری و صنایع جنبی کشاورزی و دامداری، با پتانسیل اشتغال‌زایی قابل ملاحظه، در میان مدت سبب جلب مشارکت بیشتر اعضا به تعاونی‌ها و مشارکت آن‌ها در مدیریت امور می‌شود. از جمله زمینه‌های گسترش فعالیت شرکت‌های تعاونی روستایی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ایجاد صنایع تبدیلی و بسته‌بندی محصولات کشاورزی، تأسیس انبار و سردخانه جهت نگهداری محصولات کشاورزی در راستای کاهش ضایعات کشاورزی و نگهداری و عرضه محصولات در زمان تقاضا و به تبع آن، افزایش درآمد اعضا، دایر نمودن فروشگاه‌های سموم و کود و ادوات مکانیزه کشاورزی و عقد قرارداد با شرکت‌های تولید کننده ادوات مکانیزه جهت توزیع و فروش اقساطی ادوات مذکور به اعضا. در همین خصوص، در ارائه خدمات به اعضا نسبت به افراد غیر عضو تسهیلات و مزیت‌هایی مد نظر و در اولویت قرار گیرند. در این خصوص، اجرای طرح مازاد برگشتی به استناد بند الف ماده ۶۵ اساسنامه با هدف جلب سرمایه‌گذاری و مشارکت بیشتر اعضا و نیز ارائه خدمات به عموم جهت سودآوری و افزایش درآمد آن‌ها پیشنهاد می‌شود.

- با توجه به تأثیرگذاری توان مدیریتی بر مشارکت اعضا، بهتر است مدیران مسلط‌تر و با تجربه‌تر در حوزه فعالیت شرکت‌های تعاونی روستایی به کار گرفته شوند تا این شرکت‌ها به اهداف خود برسند و تولید و عملکرد بالاتری کسب کنند. در این راستا، ضمن تقویت دانش تخصصی مدیران این شرکت‌ها، باید شرایط هماهنگی بین دانش تخصصی آن‌ها و حوزه فعالیت تعاونی‌ها فراهم شود. مدیران باید هر چه بیشتر روحیه تعاون و همکاری را بین اعضای شرکت تعاونی ترویج دهند. شکی نیست که گسترش این روحیه در درون شرکت‌های تعاونی موجب استفاده هر چه بیشتر از امکانات موجود، جلوگیری از به‌هدر رفتن منابع سرگردان و به کارگیری امکانات مالی و سرمایه اعضا در جهت رشد هر چه بیشتر شرکت‌های تعاونی روستایی خواهد شد.

- نظر به تأثیرگذاری عوامل فردی و جمعیت‌شناختی بر مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی‌ها، علاوه بر آموزش اعضا لازم است برنامه‌ریزی آموزشی به منظور بالا بردن سطح سواد و معلومات تعاونی اعضای هیئت مدیره و بازرسان از طریق دوره‌های آموزشی و انتشار منظم خبرنامه و نشریه آموزشی صورت گیرد. ایجاد حس تعاون و تقویت روح همکاری در میان روستاییان می‌تواند از طریق آگاهی‌دادن به مردم و بالا بردن میزان شناخت آنان از راه فعالیت‌های آموزشی و ترویجی و معرفی نمونه‌های موفق همکاری جمعی صورت گیرد. در این خصوص، طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی با هدف افزایش آگاهی مردم نسبت به امور تعاونی متناسب با خصوصیات فردی بیشتر اعضا (مرد، میانگین سنی ۶۰ سال و بی‌سواد)، ترجیحاً با حضور در مراسم محلی و مذهبی و استفاده از مروجان و آموزش‌یاران و نیروهای بالقوه موجود در جوامع محلی و حوزه عمل تعاونی پیشنهاد می‌شود. افزایش آگاهی اعضا نسبت به حقوق مدنی و وظایف و جایگاه خود در تعاونی می‌تواند تهدید قدرت گرفتن عده‌ای محدود از اعضا و در نتیجه، دخالت و سوء استفاده و انحصارگرایی آن‌ها یا دخالت ناموجه بخش دولتی را کاهش دهد.

- با توجه به میانگین سنی بالای اعضای بسیاری از شرکت‌های تعاونی، در جهت جوان سازی شرکت‌های تعاونی روستایی لازم است با مجوز مجمع عمومی شرکت‌ها، مشوق‌هایی در جهت انتقال سهام از والدین به فرزندان و یا ارائه تسهیلات عضویت نظیر خرید سهام به صورت

اقساطی به آن‌ها صورت گیرد و فعالیت‌های شرکت در جهت تطبیق با نیازهای اعضای جدید و جوان ساکن حوزه عمل تعاونی مورد بازنگری قرار گیرد تا زمینه جذب اعضای جدید و جوان به شرکت‌ها فراهم آید.

- نظر به یافته تحقیق در خصوص مهم بودن ساز و کار برگزاری مجامع، به منظور تقویت انگیزه حضور و مشارکت اعضا در مجامع عمومی لازم است تمهیدات لازم در مورد اجرای کامل آیین‌نامه‌های مرتبط با نحوه تعیین صلاحیت نامزدهای اعضای هیئت مدیره و امور معاملاتی اندیشیده شوند. با تصویب این تغییرات در مجامع عمومی کلیه شرکت‌ها، انتظار می‌رود از انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل با مشخصات سطح تحصیلات پایین، روحیه مشارکت‌پذیری کم، سابقه مدیریتی اندک و یا محبوبیت و اعتماد کم در بین اعضا جلوگیری شود. همچنین برابر آیین‌نامه معاملاتی، کنترل و نظارت بر معاملات مدیران با شرکت می‌تواند از هرگونه سوء استفاده احتمالی آن‌ها و نیز بدبینی اعضا به اداره امور شرکت جلوگیری نماید. در همین راستا، به منظور افزایش مشارکت اعضا لازم است مجامع عمومی شرکت در روزهای تعطیلی فصل زمستان و ساعات غیراداری تشکیل و برگزاری مجامع از طریق بلندگوی مساجد و مراسم مذهبی اطلاع‌رسانی شود.

- با توجه به یافته‌های تحقیق در خصوص ارتقای عملکرد و مدیریت تعاونی‌ها، به عنوان عامل اساسی در جلب مشارکت اعضا، سازوکارهای زیر نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: اجرای طرح جامع آمارگیری و پایش اعضا و حذف سهامداران بلا تکلیف شرکت‌های تعاونی به استناد ماده ۸ اساس‌نامه؛ اجرای مفاد اساس‌نامه شرکت‌های تعاونی روستایی با تأکید بر بندهای مرتبط با مشارکت و ایفای نقش مؤثر اعضا در اداره شرکت‌ها؛ احیای نظام گروه‌بندی تعاونی‌ها و تقسیم حوزه عمل شرکت‌ها به چندین گروه تعاونی برای تسهیل مشارکت اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی و سرانجام شناسایی و مستندسازی و معرفی تعاونی‌های موفق روستایی داخلی و خارجی و انتقال تجربیات آن‌ها به شرکت‌های تعاونی روستایی کشور از طریق انتشار نشریه، برگزاری

جشنواره تعاونی‌های برتر، بازدید از تعاونی‌های موفق داخلی یا خارجی با مساعدت سازمان تعاون روستایی، وزارت تعاون و اتحادیه‌های تعاونی.

منابع

۱. بنار، ر.، جهانگیرفرد، م.، و سلمان، م. (۱۳۸۸). مجموعه قوانین تعاون و اساسنامه سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران و شبکه تعاونی‌های تحت پوشش. تهران: آذربرین و سپهراندیش.
۲. بیگلری، ن.، پزشکی‌راد، غ.، و زمانی میاندشتی، ن. (۱۳۹۱). راهکارهای توانمندسازی تعاونی‌های تولید از دیدگاه کارشناسان ملی و استانی. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۴(۱)، ۱۰۹-۱۱۹.
۳. چراغعلی، م. (۱۳۸۰). بررسی و شناخت عوامل مؤثر در عدم بهره‌وری شرکت‌های تعاونی در استان گلستان. تهران: وزارت تعاون.
۴. درویشی‌نیا، ع. و صدیقی، ح. (۱۳۸۱). بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در استان مازندران. مجله علوم کشاورزی ایران. شماره ۳، ۳۱۳-۳۲۳.
۵. رستمی‌تبار، ف. (۱۳۸۶). بررسی میزان موفقیت فنی و اجتماعی تعاونی‌های تولید روستایی استان کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، کرمانشاه.
۶. زارع، ن. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در شرکت‌های تعاونی. یزد: مجموعه مقالات منتخب اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
۷. شکیبیا مقدم، م. (۱۳۸۱). مدیریت تعاونی‌ها. تهران: میر.
۸. طالب، م. (۱۳۸۲). اصول و اندیشه‌های تعاون. تهران: معاونت تحقیقات دفتر آموزش و ترویج.
۹. عباسی، م. (۱۳۸۲). واکاوی خاستگاه مشارکت در تعاونیها. مجله تعاون، ۱۴(۱۳۹)، ۶-۸.
۱۰. عنبری، م. (۱۳۸۰). مدیریت در تعاونی‌های کشاورزی. تهران: سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران.

۱۱. فاضل‌نیا، غ. (۱۳۸۶). تحلیل عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون، مورد شناسی: استان سمنان. *جغرافیا و توسعه*، شماره ۵، ۳۷-۵۴.
۱۲. مجردی، غ.، شاهقلیان، ز. و یعقوبی، ج. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونیهای دامپروری در شهرستان خدابنده. *تعاون و کشاورزی*، ۲(۵)، ۱۰۳-۱۲۴.
۱۳. وزارت تعاون، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج. (۱۳۸۴). *مدیریت مشارکتی در تعاونی‌ها*. تهران: پایگان.
14. Allahyari, M. (2008). Factors affecting the success of fisheries Co-management asperceived by Guilan`s fishermen. *Journal of Applied Sciences*, 9(1),183-187.
15. Benturaki, J. (2000). *Cooperatives and Poverty Alleviation*. England: IDS TEMA.
16. Braverman, A., Guasch, J. L., Huppi, M. & Pohlmeier, L. (1991). Promoting rural development cooperative in developing countries: the case of sub-Saharan Africa. Washington D.C.: the World Bank
17. Didi, B. (2004). Fishing cooperatives' participation in managing nearshore resources: The case in Capiz, Central Philipines. *Fisheries Research*, 67,81-91.
18. Hairong, Y., & Yiyuan, C. (2013) Debating the rural cooperative movement in China, the past and the present. *The Journal of Peasant Studies*, 40(6), 955-981.
19. ILO (2004). *Afair globalization the role of the ILO*,report of the director general on the World commission on the social Dimension of Globalization Geneva. International Labour Conference, 92nd Session.
20. Kashuliza, A. K., & Ngailo, L. N. (1993). *Operational and financial performance of farmer cooperatives in Tanzania*. In *Agricultural cooperatives in transition*, Boulder,Colorado:Westview Press.
21. Ladele, A. A., Olowu, T.A., & Igodan, C.O. (1994). Socio-economic impact of agricultural co-operative organisations: empirical evidence from Nigeria. *Journal of Rural Development and Administration*, Vol. xxvi(1),1-15.

22. Machethe, C. L. (1990). Factors contributing to poor performance of agricultural cooperatives in less developed areas. *Agrekon*, 29(4), 305-309.
23. Majee, W., & Hoyt, A. (2012). Cooperatives and community development: a Perspective on the use of cooperatives in development. *Journal of Community Practice*, 19, 48–61.
24. Okoye, C. U. (1997). Some administrative and management problems of cooperatives in developing countries: the case of Nigeria. *Journal of Rural Development and Administration*, 29(1), 27-42.
25. Pezeshki-Rad, GH., Biglari, N., & Zamani-Miandashtj N. (2012). Empowering agricultural production cooperatives: a nationwide survey of definitions and strategies in Iran. *Human Resource Development International*, 14(5), 633–641.
26. Sergaki, P. (2010). The role of networks on the competitiveness of agricultural cooperatives and small–medium enterprises along the supply chain in Greece. *Food Economics – Acta Agriculturae Scandinavica, Section C*, 7(2-4), 180-191.
27. Taimni, K. K. (1985). *Manual on modern personal policies for cooperatives in Asia*, International Cooperative Alliance. New Delhi: International Cooperative Alliance.
28. Unal, V., Guclsoy, H., & Franquesa, R. (2008). A Comparative study of success and failure of fishery cooperatives in the Aegean, Turkey. *Journal of Applied Ichthyology*, 25(4): 394-400.

Influential Factors on Member's Participation in Management of Rural Cooperatives in Gorgan Township

A. Sharifzadeh^{1}, Gh. Abdolazadeh², S. Ghaderzadeh³*

Received: 05/ 05/ 2013 Accepted: 02/10/2013

Abstract

This research aimed to identify and analyze the influential factors on member's participation in management of rural co-operatives in Gorgan Township. This descriptive research has been done by survey method. Population included all the members of rural co-operatives in Gorgan Township. Sample size has been determined by Cochran formula ($n=140$). A researcher-made questionnaire was used in order to collect data. Face and content validity were established by a panel of experts. Reliability of the questionnaire was confirmed according to calculated Cronbach's alpha ($r=0.76$). The results of correlation coefficient showed that there was a significant relationship between members' participation rate in public conventions and membership background as well as their interest to participate in conventions. Factor analysis of the "influential factors on members' participation in management of rural cooperatives", extracted three factors, named "management potency", "cooperative performance" and "mechanism of participative management", explained 60.63% variances of analyzed variables. The results of logistic regression analysis showed that probability of participation in conventions increased through "management potency" and "cooperative performance" while increase in years of experience and member's age decreased their participation in various conventions.

Keywords: Rural Cooperatives, Members' Participation, Participatory Management, Gorgan Township

1. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

* Corresponding Author E-mail: sharifsharifzadeh@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

3. Former Master Student, Department of Agricultural Extension and Education, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran